

راهبردهای بخش انرژی مبتنی بر رویکرد اقتصاد مقاومتی

حسین محسنی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۱، تاریخ بازنگری: ۱۳۹۶/۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

چکیده

یکی از مولفه‌های اقتدار کشور در صنعت انرژی، مدیریت توانمندی و اجرای صحیح پارادایم‌های اقتصاد مقاومتی در این بخش مهم است. در برهه فعلی تبیین راهبردهای اقتصادی در بخش انرژی به صورت جامع، مسنجم، هدفمند و در بردارنده پارادایم‌های اقتصاد مقاومتی برای نیل به اهداف چشم انداز یک اولویت اساسی است. هدف این مقاله تدوین راهبردهای اقتصاد مقاومتی در بخش انرژی برگرفته از منویات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) است تا بوسیله روش علمی به نظریه پردازی این مهم به صورت یک تحقیق کیفی تحقق بخشد. در این تحقیق ابتدا به شکل اسنادی به استخراج گزاره‌های مفهومی موجود پرداخته و سپس از روش داده بنیاد (گراند تئوری) به منظور تحلیل محتوا و کدگذاری محورها بهره می‌گیرد. نتایج این تحقیق تبیین کننده یک شبکه مفهومی از محورهایی است که بایستی به عنوان راهبرد در رئوس برنامه ریزی‌های اقتصادی حوزه انرژی مدنظر قرار گیرد که دارای بیشترین اهمیت از منظر خبرگان است..

واژه‌های کلیدی: اقتصاد مقاومتی - مدیریت توانمندی - بخش انرژی - نظریه داده بنیاد

طبقه بندی JEL : Q38 , Q33 , Q48 , Q43

۱- مقدمه

کاربرد اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» در ادبیات آکادمیک اقتصادی فاقد پیشینه است و تعاریف متعددی درخصوص آن ارائه شده است که یک تعریف از شهرت بیشتری برخوردار است: «اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که برای یک ملت، حتی در شرایط فشار و تحریم، زمینه‌ی رشد و شکوفایی را فراهم می‌کند (مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان، شهریور ۱۳۹۱)». بنابراین اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که در آن علاوه بر تعامل پویا با دنیای خارج و استفاده از امکانات تجارت آزاد، امنیت اقتصادی کشور حفظ شده و نوسان‌های محیط بین‌المللی اقتصادی و تهدیدهای آن، کم‌ترین تأثیر سوء را در روند بلندمدت متغیرهای کلان اقتصادی داشته باشد. به نظر می‌رسد لازمه چنین اقتصادی باید کارافرینی، تبدیل تهدید به فرصت، حرکت روبه جلو در پیشرفت و مدیریت بهینه توانمندی‌های اقتصادی در عرصه‌های مختلف راهبردی بالانخص انرژی باشد.

تبیین اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی نیازمند یک رویکرد جامع‌نگر است. زیرا علاوه بر لحاظ راهکارهای مالی و اقتصادی بیرون رفت از تحریم در این حوزه، باید پارادایم‌های رفتاری تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران، کارگزاران و مهمتر بدنه مردمی نیز مدنظر قرار گیرد. اقتصاد مقاومتی با لحاظ سیاست‌های حاکمیتی و شرایط بین‌المللی بایستی به عنوان یک راهبرد مشخص و بلندمدت مطرح و مبتنی بر دانش بومی باشد تا به پایداری رسد. در این راستا ایجاد، تحکیم و تقویت رابطه میان دانشگاه و صنعت ضرورتی دوچندان می‌یابد. اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی، شرایطی است که در آن ضمن پیشرفت صنعتی و رسیدن به رشد اقتصادی مطلوب، منجر به تبدیل تهدید به فرصت در این بخش شده و زمینه‌های اتکا به دانش بومی، تولیدات بومی و سرمایه‌گذاری با منافع بلند مدت را برای کشور به ارمغان آورد و هدف اصلی پژوهش حاضر، استخراج پارادایم‌های مفهومی حاکم بر این فضای خاص است.

در اقتصاد مقاومتی تلاش می‌شود تا چالش تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی به فرصت مبدل گردد. لذا در اجرای راهبردهای مبتنی بر اقتصاد مقاومتی باید نظامات مختلف طوری تدوین شوند که اقتصاد کشور سامان یابد یعنی پیشرفت را به همراه داشته باشد و هم تعالی معنوی و موضع استقلال کشور را تقویت کند. بنابراین نیاز است تا اولاً در حوزه نظری، طراحی و نظریه‌پردازی مناسبی صورت پذیرد که نگارش این مقاله در همین راستاست. ثانیاً به لحاظ اجرایی، ساختارهای موجود با الگوی مقاومتی در شرایط تحریم جایگزین شوند. این امر می‌تواند منجر به شناسایی خلأها و نقاط ضعف موجود شده و

اقدام‌پژوهی نظری و تکمیل عملی حاکمیت اقتصاد مقاومتی در عرصه کشور را فراهم نماید.

برای نیل به این هدف پس از بیان مقدمه، در بخش دوم چارچوب به بیان مسئله و تبیین مفهومی اقتصاد مقاومتی پرداخته می‌شود. در بخش سوم اختصاص به تبیین سوالات تحقیق دارد. در بخش چهارم به روش شناسی تحقیق پرداخته می‌شود. در ادامه و در بخش پنجم، مقوله‌های اصلی تبیین شده و سپس گزاره‌های مفهومی حسب اهمیت با عنایت به نظرات نخبگان کد می‌شود. بخش ششم به جمع بندی نتایج مفهومی اختصاص دارد و در نهایت در بخش هفتم پیشنهادات مبتنی بر گزاره‌های تحقیق ارائه می‌شود.

۲- بیان مسئله

اقتصاد ایران دارای جهان‌بینی اسلامی است و از طرفی در منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه واقع شده است که به دلیل ذخایر بی‌نظیر انرژی در آن، حفظ استقلال سیاسی - اقتصادی در قبال جبهه استکبار دارای هزینه‌هایی است زیرا که با منافع آنها در تضاد است. بنابراین دشمنی‌ها همیشه ادامه دارد و در هر دوره‌ای به شکلی بروز می‌کند. از این روی باید سازوکارها به گونه‌ای طراحی شوند که در برابر تهدیدها مقاوم بوده و مسیر رسیدن به اهداف کشور را هموار سازند. شناسایی حوزه‌های تحریم و همزمان تلاش برای کنترل و کم‌اثر کردن این فشارها و در شرایط آرمانی تبدیل چنین تهدیدهایی به فرصت را هنر اقتصاد مقاومتی می‌توان تلقی نمود. کاهش وابستگی‌ها و تاکید برای خود کفایی از مشخصه‌های بارز چنین اقتصادی است. توجه به دو بعد اسلامی و ایرانی در تدوین چارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی حائز اهمیت است. الگوی اقتصاد مقاومتی به لحاظ اسلامی، ساختاری متناظر به آرمان و هدف را پیگیری می‌کند و در عین حال به لحاظ ایرانی نیز ناظر به مسائل و نیازهای بومی خواهد بود. لذا در حوزه آرمان و هدف، نفی ظلم در سراسر عالم، مبارزه دائمی حق و باطل و چالش و تعارض با هرگونه استضعاف و استکبار در دستور کار قرار می‌گیرد. به لحاظ بعد ایرانی نیز الگو باید متناسب با نیازهای کشور و در جهت حل مسائل کشور باشد. تعالی، پیشرفت و شکوفایی کشور در شرایط تعارض دائمی با نظام سلطه و مواجهه با انواع تحریم‌ها، مسأله‌ای اساسی است که داشتن رویکرد جامع قابل طرح است (نریمانی و عسکری، ۱۳۹۱).

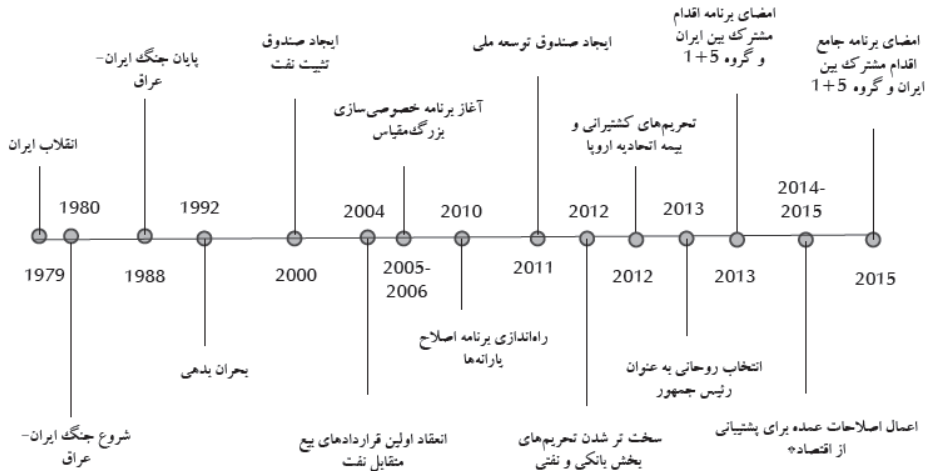
پیشینه مدیریت توانمندی‌های ملی در تحقق اقتصاد مقاومتی را می‌توان به دوران قاجاریه نسبت داد که اقتصاد ایران از وضعیت مطلوبی برخوردار نبود. اقتصاد ملی در رکود کم‌سابقه‌ای قرار داشت و سیل

محصولات خارجی در بازار ایران روان بود. علماء و روحانیون با درک خطر از بین رفتن اقتصاد ملی و استقلال سیاسی کشور با کمک تجار و بازرگانان معتمد دست به اقدامات عملی زدند که از این اقدامات می‌توان به تأسیس شرکت اسلامی اشاره کرد (معاونت علمی و فناوری، ۱۳۹۱). ایران که خود زمانی صادر کننده منسوجات با کیفیت خصوصاً پارچه‌های ابریشمی بود به وارد کننده منسوجات با قیمت نازلتر تبدیل شده بود که با تأسیس این شرکت و فروش سهام آن به مردم فضای تولید رونق گرفت و در عمل مردم، خود تحریمی برای کالاهای وارداتی ایجاد کردند. بنابراین روشنگری روحانیون به عنوان قشر فرهیخته جامعه و مدیریت توانمندی تجار و پیشه‌وران ایرانی موجب شد تا یک حماسه اقتصادی شکل گرفته و طلیعه‌ای از اقتصادی مقاومتی در یک صنعت خاص نظیر نساجی آن دوران، نمود یابد.

اقتصاد مقاومتی، در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف کننده قرار می‌گیرد، منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه‌ایستادگی می‌کند، سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن بر اساس جهان‌بینی و اهداف دارد. در این اقتصاد، حوزه‌های تهدید شناسایی شده و متعاقب با آن تهدیدها تبدیل به فرصت می‌شوند.

برخی اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی را یکی می‌دانند و یا تصور می‌کنند اقتصاد ریاضتی یکی از شاخه‌های اقتصاد مقاومتی است در حالیکه این دو اصطلاح کاملاً متفاوت هستند. البته تحقق اقتصاد مقاومتی تنها با رعایت ریاضت اقتصادی بسترسازی می‌شود زیرا اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مصرف‌گرا نیست بلکه اقتصادی کاملاً محافظه‌کار و پربنیه است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱). در ریاضت اقتصادی تمرکز اصلی دولت‌ها بر کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه است که بدین ترتیب آنها به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می‌زنند که این طرح در درازمدت می‌تواند به بازیابی اقتصاد کمک کند اما در اقتصاد مقاومتی تمرکز اصلی بر سیاستگذاری و اجرای برنامه‌های اقتصادی معطوف به پایداری در همه سطوح با فرض فشار همه‌جانبه نظام سلطه بر اقتصاد کشور است. در چنین اقتصادی بیش از پیش به بهره‌برداری حداکثری از توانمندی‌های بومی و بهره‌گیری از منابع (اعم از منابع انسانی، مالی و طبیعی) و امکانات داخلی تأکید می‌شود.

نظام اقتصادی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی دارای وقایع مهمی بوده است. مرور وقایع صورت گرفته در شکل زیر اهمیت توجه به یافتن راهکار عملی برای تحقق اقتصاد مقاومتی را نمایان می‌سازد.



شکل ۱- رویدادهای مهم سیاسی-اقتصادی ایران در سه دهه اخیر

منبع: بانک جهانی، گزارش ناظر اقتصادی ایران: بهره‌گیری از فرصت‌ها، بهار ۲۰۱۶

در برهه کنونی از سویی نظام‌های اقتصادی سرمایه داری و سوسیالیستی در تأمین اهداف اساسی خود (نظیر رشد، عدالت و رفاه عمومی) با شکست مواجه شده‌اند و تفکر حاکم بر جامعه جهانی تحول وضع موجود و یافتن نظام مالی نوین دیگری است. از سوی دیگر، کشور اسلامی ایران در دهه پیشرفت، عدالت و معنویت قرار دارد و مسئولان به فرمان رهبری درصدد تحقق عملی اقتصاد مقاومتی هستند که به این ترتیب انجام پژوهش حاضر در حوزه مشارکت علمی و اجرایی کشور ضرورت می‌یابد.

۲-۱- تحلیل وضعیت جاری انرژی در اقتصاد ایران

توانمندی به منزله استفاده حداکثری از زمان و انرژی جهت استفاده بهره‌ورانه از منابع و حصول به نتایج بهینه است. پژوهش بستر اساسی برای شکوفایی استعدادها و نهفته و شناخت مزیت‌های بالقوه و بالفعل است. لذا واکاوی حوزه انرژی و بررسی توانمندی‌های این حوزه در ساختاری تحت عنوان اقتصادی مقاومتی و مقایسه کارکرد موجود با آرمانی تحت عنوان جهاد اقتصادی می‌تواند یک رویکرد نظام یافته نسبت به این حوزه را رقم بزند. مدیریت توانمندی در اقتصاد مقاومتی به منزله ایجاد اقتصادی است که قابلیت انعطاف در شرایط مختلف و توانایی عبور از بحران‌ها را در حین رفع ناکارآمدی‌های داخلی و بهره‌وری حداکثری از منابع و امکانات موجود داشته باشد. بنابراین با این رویکرد می‌توان اقتصاد

مقاومتی را اقتصادی عنوان کرد که در آن علاوه بر تعامل پویا با دنیای خارج و استفاده از امکانات تجارت آزاد، امنیت اقتصادی کشور حفظ شده و نوسان‌های محیط بین‌المللی اقتصادی و تهدیدهای آن، کمترین اثر را در روند بلندمدت متغیرهای کلان اقتصادی داشته باشد. این چنین اقتصادی باید تلاش کند تا نقش تأثیرگذاری در اقتصاد جهانی ایفا نماید، به طوری که اعمال هرگونه تحریمی علیه کشور بتواند امنیت اقتصاد منطقه و حتی انرژی جهان را به خطر اندازد.

تسلط نقش نفت در تأمین مالی دولت در روند پیشرفت ایران، مشکلات قابل توجهی را به طور غیرقابل اجتناب ایجاد کرده است. اگرچه بهره‌گیری از درآمدهای نفتی یک روش آسان با توجه به ساختار نظام مالیاتی و شرایط اقتصادی حاکم بر کشور است اما بهره‌گیری چشمگیر از این منابع مالی در دهه هشتاد هجری شمسی موجب شد تا افزایش جهشی واردات، بودجه متکی به درآمدهای سرشار نفتی و وابستگی مستقیم و غیرمستقیم معیشت و رفاه مردم با نفت با افزایشی کم سابقه شکل گیرد.

درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز

شرکت ملی نفت ایران	صندوق توسعه ملی	بودجه دولت	مناطق محروم و نفت خیر
۱۴٫۵ درصد	۳۰ درصد	۵۳٫۵ درصد	۲ درصد
(با لحاظ رشد ۲ درصدی براساس برنامه ششم توسعه)	(با لحاظ رشد ۲ درصدی براساس برنامه ششم توسعه)	(با لحاظ تنزل ۲ درصدی براساس برنامه ششم توسعه)	

شکل ۲- ثروت نفتی ایران: مدیریت تخصیص و پس انداز

منبع: بانک جهانی، گزارش ناظر اقتصادی ایران: بهره‌گیری از فرصت‌ها، بهار ۲۰۱۶

حال از آنجایی که تولید، مصرف، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و بودجه دولت به میزان چشمگیری به درآمدهای نفتی وابسته است، کاهش یکباره این نوع درآمد می‌تواند پیامدهای نامناسبی را در پی داشته باشد. بویژه در شرایطی که تقاضای کل تحت تأثیر رشد بالای حجم نقدینگی در بیشترین مقدار تاریخی خود قرار دارد، تأثیر کاهش درآمد نفتی بر طرف عرضه بر پیچیدگی شرایط اقتصادی کشور می‌افزاید. وابستگی اقتصاد به نفت و کاهش مداوم درآمدهای نفتی (از حیث استخراج و فروش)، مدیریت آینده اقتصادی و سیاسی کشور را با آزمونی سرنوشت ساز روبه‌رو کرده است.

در یک اقتصاد نفتی، بی‌ثباتی درآمد نفت به بی‌ثباتی اقتصاد کلان دامن خواهد زد. در بررسی

درجه وابستگی اقتصاد ایران به نفت، سه نسبت را بررسی خواهیم کرد. نمودار شماره ۱ سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدهای دولت را از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌شود، درآمدهای نفتی بالاترین منبع درآمدهای مالی دولت را تشکیل می‌دهد.



شکل ۳- جایگاه درآمدهای نفتی در درآمد دولت

منبع: یافته‌های محقق، برگرفته از اطلاعات دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۹۴

از سوی دیگر، همانطور که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود، نسبت صادرات نفت و گاز ایران به کل صادرات کشورمان در سال‌های گذشته به جز چند مورد، بیش از هشتاد درصد بوده است.

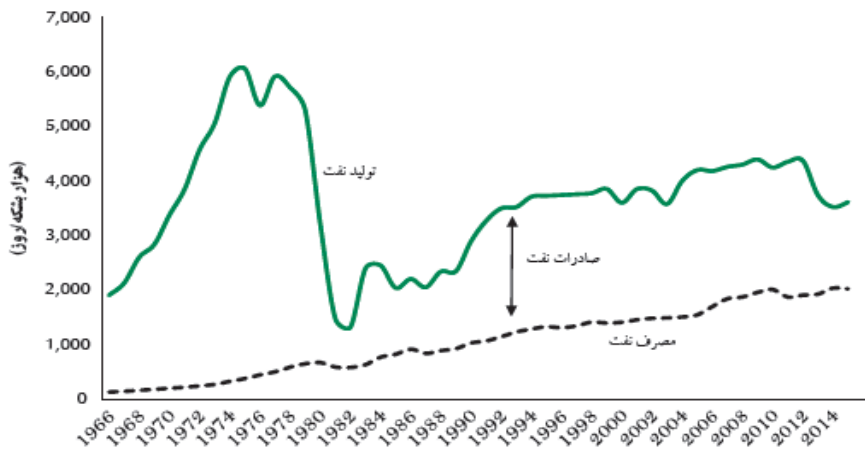


شکل ۵- جایگاه سهم نفت و گاز در بخش تجاری کشور

منبع: یافته‌های محقق، برگرفته از اطلاعات دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۹۴

بنابراین براساس دو نمودار شماره ۱ و ۲، وابستگی ساختاری اقتصاد ایران به نفت از دو مسیر قابل شناسایی است: مسیر اول به وابستگی شدید بودجه دولت به درآمدهای نفتی و مسیر دوم به وابستگی شدید تجارت خارجی و تراز تجاری کشور به درآمدهای نفتی مربوط می‌شود. باید توجه کرد که درآمدهای نفتی به صورت مستقیم بر عملکرد اقتصاد کشور تأثیر نمی‌گذارد، بلکه بیشتر از مسیر سیاست پولی، مالی و ارزی تأثیر خود را بر شاخص‌های کلان اقتصادی مانند نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم و نرخ بیکاری برجای می‌گذارد. از طرفی با توجه به فزونی آهنگ رشد مصرف نفت بر تولید آن به عنوان شاهرگ درآمدهای ارزی کشور، توجه به پارادایم‌های اقتصاد مقاومتی در این حوزه را بیش از پیش مهم می‌کند.

تولید، مصرف و صادرات نفت



شکل ۶- فاصله تولید، مصرف و صادرات نفت ایران واردات طی ۵۰ سال اخیر

منبع: گزارش شرکت بریتیش پترولیوم (BP)، گزارش تولید، مصرف و صادرات نفت، ۲۰۱۶

از طرف دیگر یکی از معضلات اقتصاد ایران در دهه اخیر، وابستگی بخش‌های مختلف تولید به واردات مواد اولیه و سرمایه بوده است. واردات این مواد اولیه و فناوری هم از طریق درآمد حاصل از صادرات نفتی امکان پذیر بوده است. سهم کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه از مجموعه اقلام وارداتی براساس آمار گمرک نیز این وضعیت را تأیید می‌کند. به طوری که به طور متوسط در هفت سال گذشته

۱۷ درصد واردات را کالاهای سرمایه‌ای و ۸۳ درصد را کالای مصرفی و واسطه‌ای تشکیل داده‌اند (درخشان، ۱۳۸۱).

ذکر این نکته ضروری است که براساس پژوهش‌های صورت گرفته، اگر بخش‌های مختلف اقتصادی در فرآیند تولید خود نیاز به واردات کالاهای خارجی داشته باشند و به هر دلیلی با محدودیت واردات رو به رو شوند، آنگاه از توان تولیدی همه آنها کاسته خواهد شد و این موضوع نشان از اهمیت درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت دارد. در حال حاضر ایران با مشکل فروش نفت و تحریم‌های مالی روبه‌روست. در این راستا مقام معظم رهبری از رویکرد اقتصاد مقاومتی برای عبور از محدودیت‌های یاد شده استفاده کردند و بارها از مسئولان کشور خواسته‌اند تا ابزارهای لازم را برای رسیدن به یک اقتصاد مقاوم با تأکید بر اقتصاد غیرنفتی را فراهم کنند.

۲-۲- سؤالات تحقیق

مهمترین سؤالاتی که در این مقاله بدان پاسخ داده می‌شود را می‌توان به صورت زیر برشمرد. با توجه به وضعیت جاری انرژی در اقتصاد ایران چه شاخص‌هایی را براساس بیانات مقام معظم رهبری می‌توان به عنوان مقوله اساسی در بخش اقتصاد انرژی شناسایی کرد؟
مهمترین گزاره‌های راهبردی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر منویات مقام معظم رهبری (متناظر با مقوله‌های استنباط شده) کدام است؟

سؤالات ضمنی تحقیق که به صورت غیرمستقیم بدان پاسخ داده می‌شود را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

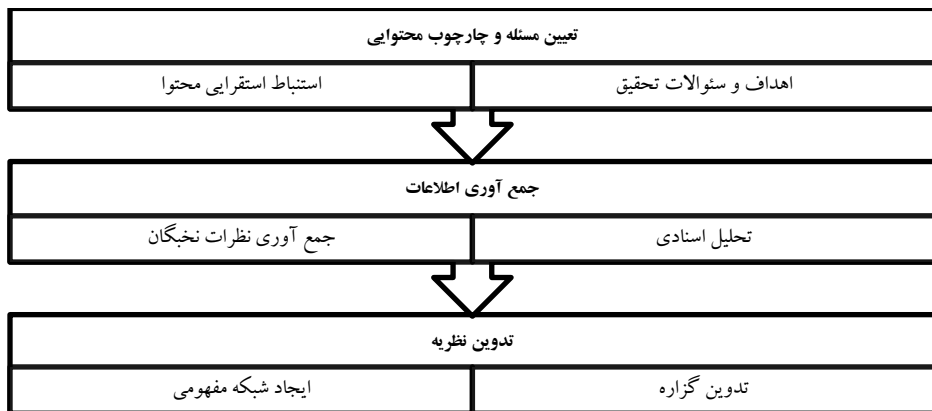
چه راهبردی در بخش منابع و تکنولوژی و مصرف انرژی باید اتخاذ شود؟ منافع سرزمینی موجب توجه به کدام مقوله/ مقوله‌ها می‌شود؟ آیا الگوی اقتصاد جنگی یا ریاضت اقتصادی می‌تواند الگوی مناسبی برای بخش انرژی در شرایط کنونی باشد؟ براساس بازتعریف منافع ملی، راهبرد بلندمدت کشور در تولید نفت خام چه باید باشد؟ نقش دولت، مردم و نخبگان صنعت و دانشگاه در بخش انرژی با لحاظ پارادایم‌های اقتصاد مقاومتی خاص استخراج شده چیست؟ میزان حمایت و روش حمایت از تولید در بخش انرژی باید به چه نحوی باشد؟

۳- روش شناسی پژوهش

نظریه داده‌بنیاد یا تئوری برخاسته از داده‌ها یا تئوری بنیادی یک روش تحقیقی عام، استقرایی و تفسیری

است. در این روش اجازه داده می‌شود تا نظریه حاکم بر آن در طول زمان پدیدار شود (دانایی فرد، ۱۳۸۴). درحقیقت نوعی روش شناسی عمومی برای تدوین نظریه‌هایی است که در داده‌های گردآوری شده و تحلیل شده به صورت نظام مند ریشه دارد. این روش با استفاده از استقرا براساس داده‌های کیفی با شکستن قالب آزمون فرضیه، خود به نظریه پردازی می‌پردازد. نظریه داده‌بنیاد این امکان را برای پژوهشگران در حوزه‌های موضوعی گوناگون فراهم می‌آورد تا به جای تکیه بر نظریه‌های موجود، خود نظریه و گزاره را تدوین کنند. این نظریه‌ها و گزاره‌ها به گونه‌ای سیستماتیک و بر پایه داده‌های واقعی پرداخته می‌شود. هر نظریه و گزاره‌ای که بر اساس این روش تدوین می‌شود بر زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی بنیاد نهاده شده‌است. در واقع نظریه داده بنیاد روشی است برای دستیابی به شناخت پیرامون موضوع مورد مطالعه، و موضوع یا موضوعاتی که پیش از این در مورد آنها تحقیق جامعی نشده‌است و دانش ما در آن زمینه محدود است. پدیده مورد مطالعه می‌تواند یک سیستم یا حتی یک متن باشد. تا پژوهشگر با طرح مسئله ای به مطالعه متون گوناگون می‌پردازد و داده‌های مرتبط با مسئله را از متن استخراج و آنها را رمزگذاری و طبقه بندی کرده و سرانجام گزاره و یا نظریه‌های خود را ارائه می‌دهد.

از آنجاییکه که بیانات مقام معظم رهبری برخوردار از یک مکتب فکری برخاسته از روح آموزه‌های ناب اسلام است، از نظر محققان بررسی صحبت‌های ایشان نیز می‌تواند در حوزه تحقیق‌های اسلامی قرار گیرد و نظریه داده بنیاد بهترین روش انجام این کار است (کامفیروزی و همکاران، ۱۳۹۳).



شکل ۷- مدل مفهومی پژوهش (یافته‌های محقق)

در پژوهش حاضر برای استخراج شاخصه‌ها به بیانات مقام معظم رهبری مراجعه شد. در این مطالعه با استفاده از روش داده بنیاد ۸۷ کد یا شاخص به دست آمد. با توجه به مشابهت برخی شاخصه‌ها، در مقوله واحدی گردآوری شد تا سرانجام ۷ مقوله نهایی به دست آمد. ارتباط مفهومی بین کدگذاری‌ها به صورت باز صورت گرفت. مرحله کدگذاری محوری است که مشخص می‌کند داده‌ها در کدام دسته قرار می‌گیرند. پس از تبیین گزاره‌ها در قالب یک شبکه مفهومی، از طریق پرسشنامه و مصاحبه (۳۷ نفر) با خبرگان صورت پذیرفت تا تأثیر مقوله‌ها بر گزاره‌ها معین شود. در ادامه گزاره‌های تحقیق و سپس شبکه مفهومی استخراج شده ارائه می‌شود.

۴- تحلیل داده‌ها

اقتصاد مقاومتی را نه تنها به عنوان روشی برای مقابله با شرایط بحران بلکه می‌توان به آن به عنوان سازوکاری در مدیریت کشور نگریست. اقتصاد مقاومتی به صورت پویا، در دوره‌های مختلف اقتصادی موجب آسیب‌ناپذیری در قبال مخاطرات داخلی و خارجی می‌شود. چارچوب تحلیلی اقتصاد مقاومتی در حمایت از تولید ملی را می‌توان براساس شاخص‌های هفت‌گانه‌ای دانست که از بیانات مقام معظم رهبری استخراج شده است.

۴-۱- مقوله‌های اصلی

در ادامه مهمترین شاخص یا مقوله‌ها در قالب هفت محور اصلی (پس از حذف محورهای مترادف) ارائه می‌شود.

کنترل سوداگری و فساد

مهار سوداگری و فساد، گام اول در مسیر تحقق اقتصادی است که توان مقابله با تهدیدهای مختلف را دارا باشد. منظور از سوداگری فعالیت‌های غیرمولدی است که از نوسانهای بازار سوءاستفاده نموده و سودهایی را نصیب افراد سودجو می‌گرداند. عدم تقارن اطلاعاتی، رانت‌های مختلف اعتباری، انحصاری و... منشأ بروز اینگونه رفتارها هستند. در اقتصاد مبتنی بر سوداگری، بخش مولد بیشترین آسیب را دیده و سازوکار اقتصاد به سمت بروز حباب‌های قیمتی و نوسان‌های شدید سوق می‌یابد. چنین اقتصادی در مواجهه با فشار خارجی کمترین پایداری و مقاومت را داشته و به سرعت متلاشی می‌شود. فساد نیز طیفی از اعمال خلاف قانون و حتی مجرمانه در حوزه اقتصادی از ارتشا و اختلاس گرفته تا قاچاق را در

برمی‌گیرد. در خصوص مقابله با سوداگری، بستن مسیرهای موازی تولید همچون ساماندهی حوزه پول و سرمایه، ساماندهی حوزه زمین و مسکن و نیز مدیریت رانت‌های اطلاعاتی بایستی محور توجه قرار گیرد. در خصوص مبارزه با مفاسد اقتصادی نیز اولویت اصلی بایستی طراحی سازوکارها فساد‌گریز باشد.

عاملیت توده‌های مردم

محور مورد تأکید در تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی توجه به عنصر مردم و حضور حداکثری آنان در اقتصاد است. بدین ترتیب ایجاد اعتقاد برای ایفای نقش در مبارزه اقتصادی، ممانعت از شکل‌گیری انحصارات، تقویت بدنه مردمی نظارت، شکوفایی ظرفیت‌های خلاقانه، بالابردن توان عکس‌العمل هوشمندانه و بموقع مردم در مقابل تحریم‌ها، کاهش فشارهای روانی و رفتار صبورانه در مقابل اقدامات دشمن و... از جمله برکات حضور حداکثری مردم در اقتصاد خواهد بود. حضور مردم باید در سه سطح تصمیم‌سازی، مدیریت و اجرا صورت گیرد. در لایه تصمیم‌سازی و مدیریت کلان تقویت نهادهای مردمی و تفویض اختیار به آنان اصلی اساسی است. حضور فعالانه انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و تشکل‌های توانمند و تخصصی در سطح اقتصاد باعث جلوگیری از انحصارات و تجربه حرکت‌های جمعی و هم‌افزا خواهد شد.

خودکفایی

سازوکارهای حوزه اقتصادی بایستی به گونه‌ای مورد بازبینی قرار گیرند که تمامی موارد ایجاد وابستگی کشور را شناسایی و بهینه نمایند. خودکفایی در کالاهای استراتژیک اولین گام موفقیت در اقتصاد مقاومتی است. خودکفایی به منزله پیش‌نیاز برای حصول به اقتدار ملی و افزایش توان چانه‌زنی در عرصه بین‌المللی است (اسحاقی، ۱۳۹۰). خودکفایی نمود عینی حمایت از تولید ملی در عرصه‌های مختلف صنعتی بالاخص انرژی است. در شرایط کنونی کشور، خودکفایی دارای دو پیش شرط اساسی است. اول جایگزینی درآمدهای جاری به جای نفت مانند مالیات، گردشگری، خدمات فنی و تجاری، درآمدهای ترانزیتی و... برای تأمین مالی دولت و دیگری تکاثر نمودن شرکای تجاری از چند شریک عمده به چندین شریک کوچکتر با رویکرد حمایت حداکثری از تولیدات داخلی را می‌توان نام برد.

توسعه تعاون عمومی

تعاون بستر و زیرساخت اهدافی است که در قالب اقتصاد مقاومتی مورد تأکید است. گسترش تعاون در کشور موجب ارتقای سطح تولید ملی به لحاظ کمی و کیفی، بهبود فضای اشتغال و نظام‌مند کردن

فعالیت‌های اقتصادی در کشور و مهم‌تر نگرش جامع و عزم ملی در صیانت از سرمایه‌های ملی اعم از منابع مالی، نیروی انسانی و سازوکارهای مبتنی بر تحقق اهداف توسعه‌ای کشور و منطبق بر سیاست‌های کلی نظام در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی مندرج در برنامه چشم انداز ۱۴۰۴ خواهد شد. تثبیت موقعیت تعاون در اقتصاد ملی و تسهیل مراودات اقتصادی برای تعاونگران می‌تواند موجب تعادل در اقتصاد ملی و حرکت چرخ اقتصادی کشور به سمت توسعه و تعالی باشد.

اولویت‌گذاری نیازها

در طراحی اولویت‌ها در حوزه اقتصادی بایستی تقویت ترجیحات و اولویت‌های ایدئولوژیک علاوه بر بهرمندی‌های اقتصادی مدنظر قرار گیرد. در این خصوص می‌توان دو دسته موضوع را از هم مجزا نمود. در بخش بازرگانی اولویت‌های مربوط به شرکای تجاری می‌بایست کشورهای منطقه و همسوی ایدئولوژیک باشند. کشورهای با همبستگی اقتصادی بیشتر، تمایل کمتری به ورود در توافقات برعلیه یکدیگر دارند و از سوی دیگر کشورهای منطقه به سبب مواجهه با تهدیدات مشترک، امنیت‌شان به هم گره خورده است. درخصوص بخش تولید بایستی ترجیحات به گونه‌ای تنظیم شوند که صنایع و رشته فعالیت‌های اساسی در اولویت قرار گیرند. تأمین غذا، دارو و نیازمندی‌های انرژی در این میان حائز اهمیت‌اند. حوزه انرژی بدلیل مزیت نسبی کشور در این حوزه بایستی مورد توجه ویژه از منظر حمایت از تولید بهینه بیشتر و مدیریت مصرف فراگیر قرار گیرد.

تسهیل و بازنگری فرآیندها

سرعت و کیفیت پایین تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اقدام در ایران از جمله آسیب‌های ساختار بروکراتیک کشور است که برخی صاحب‌نظران از آن به عنوان خودتحریمی یاد کرده‌اند. طبیعی است که اصلاح نظام اداری امری درازمدت، دشوار و پیچیده است که باید گام به گام و با دقت و حوصله صورت گیرد. سازوکارهای بروکراتیک کارا یکی از مهمترین الزامات در به ثمر رسیدن تلاش‌های برنامه ریزی شده در اقتصاد مقاومتی است. ساختارهای کارآمد منجر به تسهیل در جریان امور تولیدی و مالی شده و رضایت عمومی در عین حصول به کارایی مطلوب عملیات را به همراه دارند. کاهش تصدی‌گری، اصلاح فرآیندهای سازمانی، بازنگری در روابط حاکمیتی، افزایش فناوری اطلاعات در تبادل داده‌ها و بهره‌گیری از نظام پیشنهادات از جمله عواملی است که می‌تواند در بازنگری فرآیندهای بروکراتیک مدنظر قرار گیرد.

فرهنگ‌سازی مقاومت اقتصادی

در کنار نظامات اقتصادی و طراحی آنها مبتنی بر شرایط جهاد و مبارزه، نظامات اجتماعی و فرهنگی نیز رسالت خاصی برعهده دارند. اقتصاد مقاومتی بدون بسط صحیح از مفاهیم فرهنگی در میان مسئولان و اقشار مردم عملاً ناکاراست (اصغری، ۱۳۹۱). ترجیح تولید بر واردات و خرید کالای داخلی مساله مهمی است که در بسیاری موارد با موانع فرهنگی روبروست. نفی تکاثر در عین تبلیغ کار و تولید ثروت، نفی اسراف در عین ترویج مصرف میانه و قناعت نیز بایستی محور توجه قرار گیرند. بایستی به لحاظ فرهنگی چنان مساله در میان اقشار مختلف مردم نهادینه شود که جهاد اقتصادی همانند بعد دیگری از جهاد در شرایط فعلی است و فعالیت مفید اقتصادی اهمیت و اجر مجاهدت در راه خدا را خواهد داشت.

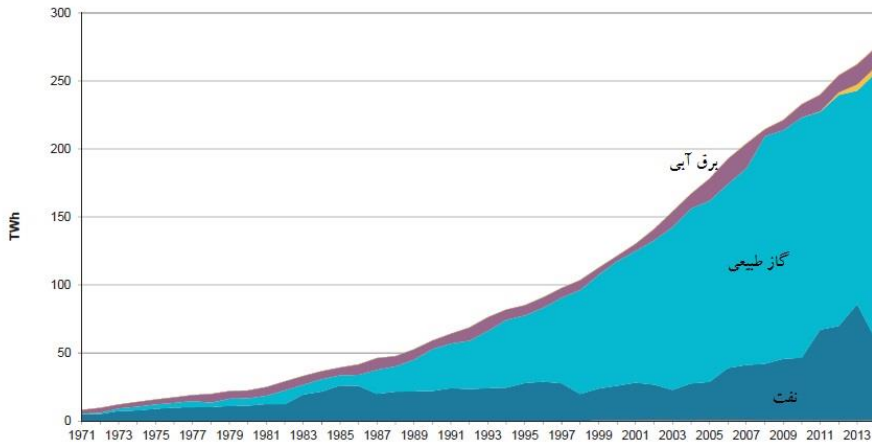
۴-۲- گزاره‌های راهبردی

پس از تبیین مقوله‌های اساسی نوبت به طبقه بندی گزاره‌های تحقیق است تا تأثیر مقوله بر گزاره‌ها در یک چارچوب مفهومی براساس نظرات خبرگان صورت پذیرد.

تبیین گزاره‌ها با این فرض مهم صورت می‌گیرد که تحقق اقتصاد مقاومتی به عنوان اقتصادی که علاوه بر هدف گسترش رفاه ملی، اهداف آسیب‌ناپذیری و بازدارندگی را دنبال می‌کند، مستلزم شناسایی و رفع نقاط آسیب اقتصاد ملی است. در تدوین راهبرد بخش انرژی در تحقق عملی اقتصاد مقاومتی باید افزون بر توجه به نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای احتمالی را نیز شناسایی و تحلیل کرد. حوزه انرژی کشور اعم از انرژی‌های تجدیدناپذیر (شامل نفت، گاز طبیعی، زغال سنگ، انرژی هسته‌ای) و انرژی‌های تجدیدپذیر (شامل سوخت‌های زیستی، برق آبی، زمین گرمایی، بادی و خورشیدی) در این "جنگ تمام عیار اقتصادی"، در خط مقدم حملات و تحریم‌های فراگیر قرار دارند. با سیر محتوایی در رهنمودهای رهبری و خواستگاه متخصصان و بررسی داده‌های مالی حوزه انرژی بالاخص بخش نفت می‌توان گزاره‌های راهبردی را در قالب هفت محور زیر طبقه‌بندی نمود.

۴-۲-۱- متنوع سازی منابع تامین انرژی

این اقدام با افزایش سهم انرژی‌های نو و تجدیدپذیر در مقابل انرژی‌های فسیلی که علاوه بر آثار مثبت زیست محیطی، عرضه انرژی را خواهند افزود و در دراز مدت با استقلال بخشیدن بیشتر به کشور از نوسانات جهانی انرژی، مسأله سرریزی نوسان را مرتفع خواهد ساخت.



شکل ۸- نمودار تولید برق بوسیله انواع انرژی در ایران بین ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۳ برحسب میلیارد وات ساعت

منبع: آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، بخش ایران، گزارش ۲۰۱۶

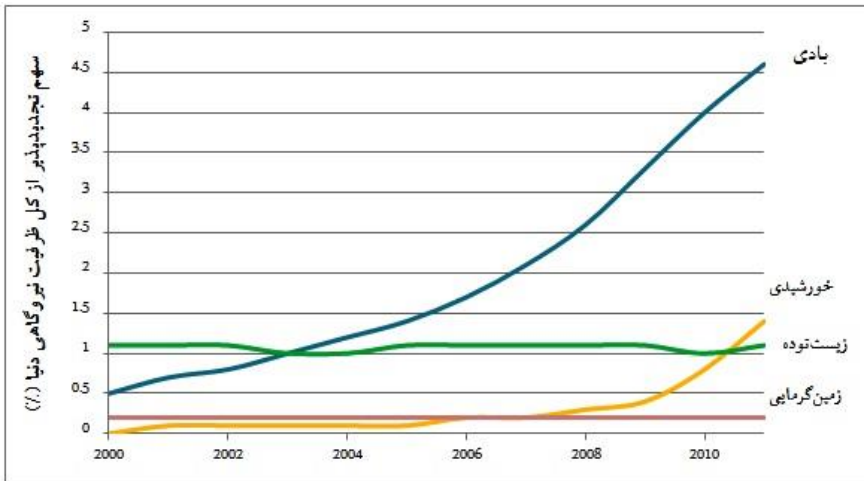
متنوع سازی منابع تأمین انرژی با تکیه بر انرژی‌های پاک می‌تواند شعار سوخت‌های فسیلی برای ساختن و نه برای سوختن را تحقق بخشد. تبدیل نیروگاه‌های تولید برق به سیکل ترکیبی و تأمین انرژی متناسب با مزیت‌های هر منطقه از منظر جغرافیایی و معدنی و مهمتر از همه اجرای سیاست‌های حمایتی و تعرفه‌ای مناسب درخصوص انرژی‌های تأمین شده از منابع تجدید پذیر می‌تواند نقش بسیار مهمی در این عرصه ایفا نماید.

۴-۲-۲-۴- مدرنیزه و بهینه‌سازی زیرساخت‌های انرژی

حوزه انرژی نه تنها در بخش تولید و توسعه بلکه تا پائین‌ترین زنجیره مصرف نیز نیاز به سیاستگذاری مشخص با رویکرد بهینه‌سازی است. استراتژی انرژی و برنامه اصلی توسعه زیرساخت‌های برق، نفت و گاز کشور بایستی یا رویکرد بهینه‌سازی و جلوگیری از اتلاف انرژی تدوین و عملیاتی شوند. اتلاف بخش عمده‌ای از برق تولیدی در شبکه‌های انتقال، فرسودگی برخی از پالایشگاه‌ها و روند رو به نزول استخراج منابع هیدروکربوی دلیلی بر این مدعاست. با بهینه‌سازی زیرساخت‌های بخش انرژی، بهره‌وری حداکثری از منابع و تجهیزات موجود قابل حصول خواهد بود.

۴-۲-۳- افزایش تولید و مصرف منابع انرژی تجدید پذیر

تأمین پایدار انرژی برق، به عنوان یکی از اساسی‌ترین پیش‌نیازهای پیشرفت هر کشوری، اهمیت ویژه‌ای دارد و مصرف سرانه‌ی برق هر کشور از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی به شمار می‌آید. پیشرفت فناوری انرژی‌های تجدیدپذیر، طی چند سال گذشته، در دنیا به کاهش هزینه‌ی تمام‌شده‌ی برق حاصل از آن انجامیده و با افزایش حاشیه‌ی سود، رشد این صنعت، شتاب بالایی داشته است. نیروگاه‌های بادی، نیروگاه‌های خورشیدی، نیروگاه‌های زمین‌گرمایی و نیروگاه‌های زیست‌توده از جمله مهم‌ترین منابع تولید برق از انرژی‌های تجدیدپذیر به شمار می‌روند. در اقتصاد مقاومتی تأمین پایدار انرژی الکتریکی، به عنوان یکی از اساسی‌ترین زیرساخت‌های کشور، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پیشرفت فناوری مرتبط با انرژی‌های تجدیدپذیر با بکارگیری توان بخش خصوصی و لحاظ سیاست‌های حمایتی مناسب منجر به کاهش هزینه‌ی تمام‌شده و افزایش کیفیت برق انجامیده و با افزایش سود سرمایه‌گذاران استانی، رشد بالایی در این صنعت ایجاد خواهد کرد.



شکل ۹- روند افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در مجموع ظرفیت نیروگاه‌های دنیا

منبع: آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، بخش ایران، گزارش ۲۰۱۶

۴-۲-۴- توجه به تولید صیانتی از میادین مشترک

وجود ۲۶ میدان نفتی مشترک بین ایران و همسایگان نیاز به توجه جدی مسئولان به منظور توسعه و بهره‌برداری هرچه سریعتر از این میادین است. استفاده از ظرفیت میادین مشترک باید در اولویت اول

برنامه‌ریزان حوزه انرژی از منظر استخراج و فروش باشد. برای مثال در میدان پارس جنوبی، بزرگترین میدان گازی جهان، ارزش گازی که ذخیره شده است، معادل درآمد ۱۲۰ سال صادرات نفت خام تولیدی کشور است. مساحت این میدان ۹۷۰۰ کیلومتر مربع است که ۳۷۰۰ کیلومتر مربع آن در آب‌های سرزمینی ایران و ۶۰۰۰ کیلومتر مربع آن در آب‌های سرزمینی قطر قرار دارد. توجه صیانتی به استخراج انرژی از منابع مشترک منجر به ذخیره‌سازی پتانسیل‌های متنوع انرژی برای آیندگان این مرز بوم شده و مهمتر حفظ ثروت ملی برای مصرف بهینه‌تر در آینده را فراهم می‌آورد.

۴-۲-۵- استفاده از روش‌های نوین در صرفه جویی مصرف انرژی

ایران در مصرف انرژی به شدت با اسراف و هدررفت و فاصله زیادی با استانداردهای جهانی دارد و از طرفی بهره‌وری انرژی در ایران نیز در مقایسه با استانداردهای جهانی بسیار پایین است. وابستگی اقتصاد ایران به نفت یک میراث شوم صد ساله و یک نقطه ضعف اساسی است، که در این رویارویی و این نبرد اقتصادی دشمن بصورت جدی بر روی آن حساب باز کرده است (مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران، مرداد ۱۳۹۱).

بر اساس آمار منتشره وزارت نیرو مصرف سرانه انرژی در ایران سه برابر کشورهای صنعتی بوده و کارشناسان انرژی اعتقاد دارند که این اختلاف ناشی از تلفات انرژی در بخش ساختمان است. به طوری که این بخش نزدیک به ۴۰٪ از سبد انرژی مصرفی کشور را به خود اختصاص می‌دهد. براساس برآوردهای کارشناسان، پتانسیل صرفه جویی مصرف انرژی در بخش‌های مختلف مطلق جدول ذیل است.

جدول ۱- پتانسیل صرفه‌جویی انرژی در ایران

ردیف	نوع ساختمان	شرح	پتانسیل صرفه‌جویی (%)
۱	مسکونی	گرمایش و سرمایش فضا	۱۰ الی ۵۰ درصد
۲	مسکونی	آب گرم مصرفی	۱۰ الی ۵۰ درصد
۳	مسکونی	سرمایش مواد	۳۰ الی ۵۰ درصد
۴	مسکونی	روشنایی	۷۰ الی ۵۰ درصد
۵	تجاری	گرمایش و سرمایش فضا	متغیر
۶	تجاری	روشنایی	۱۰ الی ۳۰ درصد

منبع: وزارت نیرو، سازمان بهره‌وری انرژی ایران، گزارش ۱۳۹۴

در این راستا استانداردسازی محصولات و تجهیزات مورد استفاده از بخش صنایع خانگی متناسب با بهره‌روی انرژی، احداث نیروگاه‌های خرد در مناطق ویژه تولیدی، فرهنگ‌سازی در مصرف بهینه انرژی و حمایت از بخش‌های تولیدی به منظور نوسازی و بهینه‌سازی تجهیزات از جمله مواردی است که توسط متخصصان بدان اشاره می‌شود.

۴-۲-۶- گرایش از خام فروشی به فرآورده‌های پتروشیمی

به تعبیر مقام معظم رهبری «خام فروشی» بدترین نوع استفاده از نفت است و در واقع تاکنون این «سرمایه بین نسلی» بیش از آنکه بعنوان یک «سرمایه» مورد توجه باشد، بعنوان «درآمد» در دست دولت‌ها بوده است (مقام معظم رهبری در دیدار با شرکت‌های دانش بنیان، آبان ۱۳۹۱). خام فروشی نفت و درآمدهای نفتی در یک سده اخیر همواره نقش حیاتی در اقتصاد داشته و مهم‌ترین اهرم مالی برای اداره کشور بوده است تا فارغ از هرگونه نگاه آینده‌نگرانه با تزریق درآمدهای حاصل از خام فروشی نفت به تأمین هزینه‌های جاری و عمرانی خود پردازد. در اقتصاد مقاومتی، تأمین مالی دولت بایستی با استراتژی‌های فایده‌آمدن بر تحریم تنظیم گردد. بدین ترتیب ایجاد تمهیدات لازم جهت کاهش خام فروشی نفت و سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی در طرح‌هایی زیربنایی مانند صنایع پتروشیمی و پالایشگاه‌ها و راه‌اندازی صنایع و کارگاه‌های تعطیل شده بایستی در اولویت برنامه‌های بخش انرژی قرار گیرد (نجفی جزه، ۱۳۹۱). در اینجاست که فرصت تحریم می‌تواند با فشار هرچه بیشتر بر دولت، برنامه‌ریزان را وادار به تأمین مالی بهینه و اجتناب از خام فروشی نفت گرداند.

۴-۲-۷- تقویت بنیان‌های دانشی در صنعت نفت

چنانچه بنیان‌گذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی دانش پیش برده شود و به وجه غالب اقتصاد کشور نمود یابد، این امر دستیابی کشور به قدرت اقتصادی را موجب می‌شود. تقویت بنیان‌های دانشی موجب ایجاد اعتماد و خودباوری ملی میان آحاد بخش‌ها بالاخص بخش انرژی می‌شود. بومی‌سازی علوم مرتبط با بخش‌های انرژی اعم صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، آب و برق همزمان با ایجاد پل ارتباطی نزدیک میان دانشگاه و صنعت، از یک طرف استقلال و خودتکائی را بوجود آورده و از طرف دیگر قدرت اقتصادی و چانه‌زنی‌های سیاسی را در عرصه بین‌المللی فراهم می‌کند. در این راستا ایجاد الزامات قانونی جهت استفاده از فناوری‌های دانش بنیان در صنعت نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی، ایجاد زمینه‌های رقابت

سازنده در میان سازندگان بومی، بازنگری در مقررات جذب و نگهداری منابع انسانی متخصص، خلاق و نخبه در صنعت نفت، استفاده بهینه و حداکثری از امکانات درون و بیرون صنعت در راستای کاهش هزینه‌های تولیدات دانش بنیان، تدوین استانداردهای مختلف مربوط به فرایند ایده تا بازار محصولات دانش بنیان، تجمیع دانش فنی تولید شده به منظور جلوگیری از دوباره‌کاری، تسریع و رفع موانع در دستیابی به اهداف مربوط به افزایش ضریب برداشت از مخازن نفت و گاز و توجه به ارتقاء دانش سازمان همراه با استفاده از مدیران دانش محور پیشنهاد می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

تحریم‌های نامتعارف اخیر می‌تواند با درایت مسئولان و برنامه‌ریزی صحیح، علی‌رغم ایجاد فشار و هزینه در کوتاه‌مدت، فرصتی بی‌بدیل برای حرکت کشور در جهت تحقق اقتصادی پویا و غیر وابسته به نفت ایجاد کند. در این راستا تحقق اقتصاد مقاومتی به عنوان اقتصادی که علاوه بر هدف گسترش رفاه ملی، اهداف آسیب‌ناپذیری و بازدارندگی را دنبال می‌کند، مستلزم شناسایی و رفع نقاط آسیب اقتصاد ملی است و این امر جز در سایه شناخت توانمندی‌های ملی، حداقل سازی ناکارایی و نقاط ضعف و حداکثر سازی کارآمدی‌ها و مزیت‌های رقابتی امکان پذیر نیست. تحقق عدالت توأم با توسعه و پیشرفت اقتصادی در شرایط کنونی مستلزم شناسایی راهبردهای بخش انرژی به عنوان حیاتی‌ترین صنعت ایران است.

فهم منظومه فکری مقام معظم رهبری، نیازمند دستیابی به نظام مفاهیم حاکم بر سخنان ایشان و استنباط از آن است که در پژوهش حاضر این نظام مفاهیم در حوزه اقتصاد مقاومتی و بخش انرژی تحلیل شد. تحلیل و طراحی نظام مفاهیم اندیشه‌های رهبری، امکان طراحی نظام اندیشه ای ایشان را برای اجرا و تحقق اندیشه‌ها فراهم می‌کند که این امر می‌تواند برای برنامه ریزان و مدیران اجرایی کشور یک فرصت باشد. در این مقاله اهم نقاط آسیب مرتبط با حوزه نفت و انرژی، وابستگی بودجه به نفت، خام فروشی، مصرف غیر بهینه و وابستگی به محصولات خارجی در پروژه‌های مرتبط با صنعت نفت و گاز اشاره شد. به طور مشخص رفع این نقاط آسیب علاوه بر همت و خواست مسئولان، نیازمند بسترهای حقوقی و طراحی سازوکارهای نهادی مناسب است.

گزاره‌های راهبردی مستخرج از چارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی تبیین شده دارای محورها چون متنوع سازی منابع تأمین انرژی، مدرنیزه سازی زیرساخت‌ها، افزایش تولید- مصرف منابع تجدید پذیر، توجه

به میادین مشترک، صرفه جویی انرژی، پرهیز از خام فروشی و گرایش به توسعه فرآورده‌های پتروشیمی و در نهایت تقویت بنیان‌های دانشی صنعت انرژی در کشور است.

۶- پیشنهادات (مبتنی بر گزاره‌های تحقیق)

تفکیک ارکان مجری، سیاستگذار و ناظر در نهادهای درگیر در بخش انرژی کشور بویژه اصلاح ساختارهای حاکمیتی در حوزه انرژی و همچنین یکپارچه‌سازی بدنه سیاستگذاری بخش انرژی کشور، از الزامات نهادی مرتبط با این امر است. سیاست‌های اصلاحی مرتبط با حوزه انرژی بویژه اصلاح قیمت حامل‌های انرژی باید با دیدی جامع‌نگر و در کنار سیاست‌های مکمل در سایر بخش‌ها طراحی و اجرا شوند. گسترش زنجیره ارزش افزوده ناشی از منابع نفت و گاز در داخل ایران، در کنار استفاده از فرصت‌های موجود در ارتباط با تعاملات منطقه‌ای یکی از راهکارهای پیش‌روی کشور برای تبدیل تنگناهای موجود در شرایط حاضر به فرصتی برای جهش اقتصادی کشور می‌باشد. بویژه از فرصت به وجود آمده می‌توان برای جهش صادرات در بخش فرآورده‌های نفتی استفاده کرد. تقویت اقتصاد دانش‌بنیان از طریق ایجاد سازوکارها و ساختارهای مناسب برای استفاده بهینه از توان علمی و فنی داخلی برای تأمین مواد و تجهیزات صنعت نفت، مدیریت پروژه‌های بزرگ نفتی توسط شرکت‌های داخلی، ابداع و توسعه روش‌های تأمین مالی جدید برای صنعت نفت و گاز از دیگر راهکارهای قابل استفاده در جهت تبدیل تحریم به ابزاری برای رشد صنایع مرتبط با حوزه نفت و گاز هستند. در شرایط فعلی تحقق عملی اقتصاد مقاومتی در عرصه انرژی تنها با لحاظ رویکرد جهادی و توانمندسازی بنیه‌های دانشی و فنی در این حوزه است که می‌تواند زمینه را برای پیشرفت توانمندساز برای این بخش فراهم سازد.

منابع

اسحاقی، حسین، ۱۳۹۰، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، تهران، مرکز نشر هاجر (وابسته به مرکز حوزه علمیه خواران).

اصغری، محمود، ۱۳۹۱، جهاد اقتصادی: تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

بت شکن، محمد هاشم، ۱۳۹۲، "سیاست‌های بهینه مالی و پولی در اقتصاد مقاومتی با تأکید بر تحریم‌ها"، مجموعه مقالات بیست و چهارمین همایش بانکداری اسلامی، تهران.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش بنیان،

۱۳۹۱/۰۵/۰۸

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۰۵/۳

پیغامی، عادل، سمیعی نصب، مصطفی، سلیمانی، یاسر، ۱۳۹۵، جستارهایی در اقتصاد مقاومتی: مدل مفهومی مقاوم سازی اقتصادی بتنی بر ادبیات متعارف در تطبیق با اندیشه مقام معظم رهبری (حفظه الله)، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

دانایی فر، حسن، ۱۳۸۴، تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم سازی تئوری بنیادی، نشر دانشور رفتار.

درخشان، مسعود، ۱۳۸۱، "منافع ملی و سیاست‌های بهینه در بهره برداری از منابع نفت و گاز"، ویژه نامه نفت و منافع ملی، مجلس و پژوهش، شماره ۳۴، سال نهم.

کامفیروزی، محمدحسن، نائینی، علی بنیادی، موسوی لقمان، سیده اشرف، ۱۳۹۳، "بررسی نقش عوامل در اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصاد مقاومتی"، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۵۲.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اقتصاد مقاومتی و مولفه‌های آن، تهران، شهریور ۱۳۹۱.
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اقتصاد مقاومتی، ویژگی‌های آن، تهدیدها و فرصت‌ها، تهران، بهمن ۱۳۹۱.

معاونت علمی و فناوری، ریاست جمهوری، راهبرد تولید دانش بنیان: جایگاه شرکت‌های دانش بنیان در اقتصاد مقاومتی، تهران، ۱۳۹۱.

نجفی جزه، حامد، ۱۳۹۰، "منافع ملی و بازتعریف راهبرد بلند مدت کشور در مورد تولید نفت خام"، اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی، تهران، دانشگاه علم و صنعت.

نریمانی، میثم، عسکری، حسین، ۱۳۹۱، "چارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی"، اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی، تهران، دانشگاه علم و صنعت.

وزارت نیرو، سازمان بهره وری انرژی ایران (سابا)، گزارش آموزش مدیریت انرژی، ۱۳۹۴

"Renewable Energy Data Book", National Renewable Energy Laboratory (NREL), US Department of Energy, USA, ۲۰۱۶.

"Beyond OECD countries, Islamic republic of Iran energy statistics", International energy agency (IEA), 201۶.

Ianchovichina, Elena ; Devarajan, Shantayanan; Lakatos, Csilla (2016), "Lifting economic sanctions on Iran : global effects and strategic responses," Policy Research Working Paper No. 7549, World Bank, Washington DC.

strategies based on resistance economic approach Energy sector

Management of empowerment and proper implementation of the resistance economic paradigms in energy sector can improve country's authority. In the current situation presenting a comprehensively and integrated economic strategies in the energy sector that includes paradigms of resistance economy are a key priority for achieving the goals of contry's vision document.

This paper aims to develop a set of resistance economic strategies in the qualitative scientific approach for energy sector based on the commands of the Supreme Leader Khamanei.

The paper used documentary research in order to extraction of concept statements and then it employs grounded theory for content analysis and coding the most important paradigms. The results explain a conceptual network should be outline considered as strategies for economic planning in the energy sector that they are most important from the perspective of experts.

keywords : Resistance economic, Managing empowerment, Energy sector, Grounded Theory

JEL Classification: Q38 ,Q33 ,Q48 ,Q43